

## ارزش دانش‌های کهن و نوین غیرمسلمانان در اندیشه سید قطب

کرم سیاوشی\*

### چکیده

در میان متفکران و صاحب‌نظران مسلمان بر سر شأن و شایستگی دانش‌ها و دستاوردهای دنیای مادی در حوزه‌های انسانی، فکری و فرهنگی، سخن بسیار است. این مقال درصدد تبیین دیدگاه سید قطب، از متفکران طراز اول جهان اسلام، در این زمینه است. بدین منظور، به مطالعه تحلیلی و انتقادی مهم‌ترین آثار و تألیفات فکری، اسلامی و قرآنی او پرداخته و دیدگاه‌های وی را بر نظرگاه‌های اندیشمندان شیعی معاصر، تطبیق و مقایسه نموده‌ایم.

سید قطب به معارف و دستاوردهای غیرمسلمانان، به ویژه دستاوردهای علمی و فرهنگی و سیاسی دنیای غرب، با بدبینی و تنفر می‌نگرد و نتایج و عواقب فرهنگ و تمدن مادی غرب را - علی‌رغم ظواهر زیبا و خیره‌کننده آن - برای بشریت زیان‌بار می‌داند و آن را در تقابل با مسیر هدایت‌بخش خداوند ارزیابی می‌نماید.

این مقاله با رویکرد تحلیلی و توصیفی به بررسی اندیشه سید قطب در این زمینه می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** سید قطب، معارف کهن و نو غیرمسلمانان، دانش کلام، فلسفه اسلامی.

## مقدمه

دانش‌های محکم و مفید و رشد‌دهنده و برکشنده و درگشاینده بپردازد و خویش و خویشان و وطنیان خویش را از زجر و زحمت بیهوده نارااست‌ها و ناسازها برهاند.

در این مجال، برآنیم تا دیدگاه سید قطب را که از مفسران و متفکران مسلمان معاصر است، در این باب بکاویم و رهنمود و رهاورد وی را در این زمینه بنمایانیم. لازم به ذکر است که هرچند در عرصه‌های مختلف اندیشه سید قطب، همچون تفسیر قرآن، عدالت اجتماعی، دیدگاه‌های سیاسی و...، مکتوباتی قلمی گردیده است؛ لکن در حوزه مورد بحث ما، تاکنون هیچ محقق دیدگاه وی را به تبیین ننشسته است. بر این اساس، بازیابی اندیشه وی در این حوزه - با توجه به موقعیت برجسته وی در جهان اسلام - از ضرورت و اهمیت والایی برخوردار است. به علاوه، اندیشه سید قطب - عموماً - پیام‌آور نوآوری و نشاط و پویایی است. از این رو، در این مقال نیز از لطایف و دقایق تأملات و ملاحظات وی توشه‌هایی عرضه گردیده و تلاش شده روح بیان و کلام وی از دست نرود.

بدین منظور، ابتدا با معرفی اجمالی زندگی پرفراز و نشیب سید قطب، سیر تکوین شخصیتی و دانشی او و شرایط و اوضاع گذشته بر وی را جویا شده، نقش آن را در تأملات و اندیشه‌هایش بررسی نموده‌ایم. به تعبیر دیگر، به بیان بستر رویش دیدگاه سید قطب در ارتباط با موضوع مورد بحث پرداخته‌ایم. پرسش‌ها و استفهام‌های تحقیق به قرار ذیل است:

۱. دیدگاه سید قطب در ارتباط با روایی یا ناروایی بهره‌مندی مسلمانان از دستاوردهای علمی، فرهنگی و تمدنی غیرمسلمانان چیست؟
۲. در صورت اثبات سخت‌گیرانه و بدبینانه بودن

از یک‌سو، تعامل علمی و ارتباط دانشی و معرفتی افراد بشر با یکدیگر، از ضروریات گریزناپذیر زندگی انسان است. به عبارت دیگر، انسان‌ها چه در قالب زندگی فردی و خواه به صورت جمعی، محتاج تأملات و کاوش‌های معرفتی یکدیگر بوده و در حقیقت، این مدرسانی علمی و تعاونگری فکری از مهم‌ترین پایه‌های رشد و تعالی روزافزون جوامع بشری است؛ چه، افراد و اجتماعات کاهل در کسب دانش، و ناتوان در برقراری ارتباط علمی با دارندگان و آفرینندگان معرفت، زود است که از میدان مسابقه کمال‌جویی و شکوفایی طلبی جدا شده و پذیرنده آثار و ضربات مهلک این خصلت ناپسند خود باشند!

از دیگر سو، خصلت دانش و معرفت این است که «به مجرد تولد در زمان معین یا در سرزمین خاص، فوراً از قلمرو جهات شش‌گانه پَر می‌کشد و جهانی می‌گردد و در دسترس ساکنان آفاق دور و اقلیم‌های پراکنده قرار می‌گیرد»<sup>(۱)</sup> پس ممانعت از پراکندن آن و بستن در بر روی آن، بسان «آب در هاون کوبیدن» است.

به علاوه، هرچند بر داشتن هر قدم جدید در کشف آفاق ناشناخته و خیز برداشتن به سوی کسب معارف دست‌نیافته، به خودی خود ارزش و ارج بسیار دارد؛ لکن گاه در پوشش صورت نیک و مشعشع دانش‌اندوزی و علم‌آموزی، مثنی آگاهی‌های مُشوّه یا اوهام و اباطیل آراسته و... بر اذهان و افکاری می‌روید و سپس مسطور می‌گردد و احیاناً عزم‌ها و همت‌هایی برای عملی ساختن آن، جزم و جدی می‌گردد! دانشی که نه شایسته شنیدن است و نه سزاوار از بر کردن و نه درخور به کار بستن!

اینجاست که لازم می‌آید تا متعلم و محقق و دانش‌پژوه آگاه در پرتو نور تجربیات تلخ و شیرین گذشتگان و روندگان، حکیم‌وار به انباشتن حکمت‌ها و

دست آمده از پژوهش، پیشنهادها و راه‌کارهایی برای جبران کاستی‌ها و شتاب بخشیدن به فعالیت‌های فکری و فرهنگی در قلمرو جوامع اسلامی تدارک دیده شده است.

### بستر رویش دیدگاه سید قطب در باره معارف کهن و نو غیراسلامی

همان‌گونه که به تفصیل خواهد آمد، دیدگاه سید قطب (تولد ۱۳۲۴ق / ۱۹۰۶م؛ شهادت ۱۳۸۶ق / ۱۹۶۶م) نسبت به دستاوردهای فکری، فرهنگی، و علمی متفکران و نظریه‌پردازان غیراسلامی - عمدتاً غربی - بسیار بدبینانه و هشداردهنده است. در ارتباط با چیرایی و چسانی و آبخور این دیدگاه می‌توان گفت: وی بر بستری عمیق از آموزه‌های دینی زیسته؛ از این‌رو، هرچند او در برهه‌ای از حیات خویش افکاری غیردینی یا حتی ضددینی ارائه نموده، لکن در اولین فرصت بازبینی و بازگشت به قرآن، به سرعت اصالت خویش را باز می‌یابد و به پشتوانه توان علمی و فکری فراهم آمده، به صورتی ژرف و مؤثر فعالیت در عرصه مباحث ادبی، اجتماعی و اصلاحی و فکری را می‌آغازد.

از دیگر عوامل اثرگذار بر شخصیت و اندیشه سید قطب، اوضاع جامعه وی بوده که به خاطر حکومت فاسد و ضعیف «پاشا»ها و دخالت مستقیم و غیرمستقیم استعمارگران اروپایی - به ویژه استعمار پیر «انگلستان» - در فقر و فلاکت و عقب‌ماندگی و دوری از ارزش‌های دینی و اخلاقی قرار داشته است؛ چنان‌که نگاهی گذرا به عناوین مقالات سید قطب، از یک‌سو، حکایت از برنامه‌های تند، کوبنده، قوی و قاطع اصلاحی وی علیه فقر، ستم، سرمایه‌داری و اوضاع فاسد سیاسی و اجتماعی دارد و از دیگر سو، ترسیم‌گرگرایش ایمانی، عاطفی و اسلامی اوست.

دیدگاه وی، آیا این موضع ناشی از شرایط گذشته بر وی و به ویژه نشأت گرفته از مشقت و شکنجه‌های روحی و بدنی است که در دوران طولانی مدت حبس، وی با آن مواجه بوده است؟ یا این دیدگاه ناشی از نگاهی درست و متقن و بینشی برآمده از آموزه‌های اسلامی است؟

۳. مبانی و اصولی که سید قطب دیدگاه خویش را بر آنها بنیان نهاده واقعی است یا توهمی؟

۴. این دیدگاه در میان دیگر اندیشمندان مسلمان - به ویژه شیعه - از چه تفاوت و تشابه‌هایی برخوردار است؟ پاسخ سؤالات مزبور در قالب تفصیل بحث آمده است. شاکله و ساختار بحث با طرح دو عنوان: «اظهار بدبینی سید قطب نسبت به معارف کهن غیراسلامی و اعلان ضرورت طرد آن» و «اظهار بدبینی وی نسبت به معارف جدید غیراسلامی و اعلان ضرورت طرد آن» شروع می‌شود. در ذیل هریک از این دو عنوان، بخشی از مسائل مبتلا به جوامع اسلامی بسط داده شده است. بر این اساس، موضوع علم کلام و فلسفه اسلامی در ذیل عنوان اول، مطرح شده و ضمن اشاره به جایگاه و اهمیت مباحث اعتقادی در نزد سید قطب، عوامل ناکارآمدی دانش کلام و فلسفه اسلامی از دیدگاه وی ارائه گردیده است. نیز راهکار مناسب برای خروج از این بن‌بست، بازگشت به قرآن دانسته شده است. در این زمینه، امتیازات منهج اسلام در بیان معارف اعتقادی ذکر گردیده است.

همچنین در ذیل عنوان دوم، دلایل سید قطب در طرد معارف نو غیرمسلمانان و دلایل وی بر بدبینی نسبت به اقدامات مستشرقان ارائه گردیده و پس از طرح دیدگاه‌ها و نظریات نوین تمدن غرب در ارتباط با سه موضوع اصلی و اساسی «انسان»، «زندگی» و «هستی»، به دیدگاه سید قطب مبنی بر اعتقاد راسخ به سیطره و رهبری برنامه اسلام بر جهان اشاره شده است و در پایان نیز ضمن بیان نتایج به

آنها و دوری و بیگانگی این اندیشه‌ها از زندگی واقعی، نیز خالی بودن این اندیشه‌ها از عوامل و موجبات تحرک، پویایی و نشاط است که در اثر آمیزش آن با مباحث و اصطلاحات بیگانه شکل گرفته است! از این‌رو، تلاش‌هایی برای پالایش دانش اصول دین و علم کلام اسلامی از مباحث غیرضرور و ناکارآمد، و افزودن مباحث و موضوعات لازم و بایسته به آن - به صورت تدریجی - شکل گرفت.

در این میان، از جمله کسانی که معتقد به وجود ضعف و انحراف در مباحث عقیده‌شناسی مسلمانان بود و به صورت اساسی درصدد شناسایی آن برآمد، سید قطب است. روش مفسر فی ظلال دریافت مستقیم قواعد اعتقادی و ضوابط و مقررات ایمانی از قرآن و کنار گذاشتن هرگونه قاعده و ضابطه پیشین به هنگام مواجهه با آیات قرآن می‌باشد. دلیل او برای گزینش این شیوه آن است که وی یکی از اهداف اصلی نزول قرآن را انشای معیارها و ضوابط صحیح فکری و پالودن قلب و عقل و ذهن بشر از افکار و اندیشه‌های جاهلی، خرافه و خیالی می‌داند.<sup>(۳)</sup>

#### اهمیت مباحث اعتقادی در نزد سید قطب

اهمیت مباحث اعتقادی در نزد سید قطب تا آنجاست که وی شکل‌گیری هرگونه اصلاح و دگرگونی عمیق اجتماعی و سیاسی را تنها در پرتو ایجاد دگرگونی حقیقی عقیدتی ممکن می‌داند؛<sup>(۴)</sup> یعنی تا آن هنگام که نگرش مسلمانان در ارتباط با موضوعات مهمی همچون «خدا، هستی، انسان و حیات» تصحیح نشود و ذهن و دل آنها آبدستن معارف ناب و عقاید مثبت و تحرک بخش اسلامی نگردد، رخداد هرگونه تحول اجتماعی عمیق و کارساز در میان آنها ناممکن و دور از انتظار خواهد بود و بعکس، با تحقق تحول اعتقادی و رخ نمودن نگرش جدید منطبق بر

حضور اجباری سید قطب در آمریکا (۱۹۴۸-۱۹۵۰م) و آشنایی دقیق و نزدیک وی با اندیشه‌ها و آرمان‌های مردمان و مسئولان این کشور، به درک عمق دشمنی و جهت‌گیری خباثت‌آمیز سران و سیاست‌مداران آمریکایی و اروپایی نسبت به ملل مسلمان می‌انجامد. به علاوه، مشاهده تلاش غربی‌ها برای نابودی ملت فلسطین و آواره کردن آنها از سرزمین مادری خویش و پشتیبانی مؤثر و بی‌امان آنها از صهیونیست‌ها، از دیگر عوامل اثرگذار بر افکار و آرمان‌های این مفسر برجسته قرآن است.<sup>(۲)</sup>

#### اظهار بدبینی نسبت به معارف کهن غیراسلامی و اعلان ضرورت طرد آن

##### علم کلام و فلسفه اسلامی

علم «کلام» یا «توحید» یا «عقیده‌شناسی» که از آن با عنوان «فلسفه اسلامی» نیز یاد می‌شود، یکی از مباحث اساسی و مبنايي در حوزه دین‌شناسی مسلمانان است که دیرزمانی است در بین آنها مطرح گردیده و به تدریج رشد و رونق و گسترش یافته است. برخی همانند سید قطب، برآنند که با وجود اهمیت بسزایی که مباحث عقیده‌شناسی در ایجاد باور درست و دقیق در ذهن و دل فراگیران علوم دینی - به ویژه در سطوح عالی - دارد، اما این دانش به سبب امتزاج با مابعدالطبیعه یونانی، نتوانسته در انجام وظیفه خطیر پیش‌گفته توفیق شایانی حاصل نماید؛ از این‌رو، این شیوه از بحث برای شناخت اعتقادات اسلامی با کاستی‌هایی مواجه است. بر این اساس، در خلال دو قرن اخیر برخی از مصلحان مسلمان که درصدد شناسایی علل و عوامل عقب ماندن و ضعف‌های مادی و معنوی ملل مسلمان بودند، چنین اندیشیده‌اند که از عوامل اصلی این ضعف و ایستایی، نحوه شکل‌گیری اندیشه‌های اعتقادی مسلمانان در ذهن

محیطی اسلامی سامان یافته‌اند! از این‌رو، این نوع از فلسفه را بیگانه از فلسفه کلی اسلام در ارتباط با هستی، حیات و انسان معرفی می‌کند.<sup>(۶)</sup>

۴. سید قطب با اشاره به مجادلات موجود در میان فِرَق کلامی بر سر برخی از تعبیر قرآنی، این امر را ناشی از فلسفه یونانی و آفتی از آفات این فلسفه و نیز ناشی از مباحث لاهوتی و خداشناسی موجود در نزد یهود و نصارا می‌داند که به سبب درآمیختن با اندیشه‌های ناب و زلال و شفاف عربی و اسلامی، زلالی و زیبایی آن را زدوده است.<sup>(۷)</sup>

۵. وی «کلام اسلامی» را در قالب فلسفی و منطقی کنونی آن، برای حل مسائل اختلافی ناکارآمد معرفی می‌کند و معتقد است: روش بحث و اسلوب بیان هر حقیقت با توجه به نوع آن حقیقت مشخص می‌گردد. از این‌رو، با توجه به نوع بحث و شیوه تعبیر متکلمان مسلمان درباره برخی مباحث اسلامی همچون مسئله جبر و اختیار و...، این شیوه را برای بیان این حقایق نمی‌پسندد و شیوه دیگری از بحث و اسلوب بیان را در این ارتباط ارائه می‌دهد.<sup>(۸)</sup>

۶. از دیدگاه سید قطب، بین «منهج فلسفه» و «منهج عقیده» و اسلوب آن دو و بین «حقایق ایمانی اسلام» با «مباحث فلسفی و لاهوتی بشری» بیگانگی و جدایی اصیلی وجود دارد. از این‌رو، آنچه امروز به نام «فلسفه اسلامی» و «علم کلام» مرسوم است به پیچیدگی، خشکی و تخیلی مبتلاست؛ همین امر موجب زدودن صفا و زلالی تصورات اسلامی و کدر شدن آن، محدود شدن گستره آن و رواج سطحی‌نگری در آن گردیده است! به علاوه، این فلسفه و منهج آن با اسلام و طبیعت، حقیقت، منهج و اسلوب آن کاملاً غریب و بیگانه است. از این‌رو، ضروری است دانش عقیده‌شناسی اسلامی برای رهایی از

روش و آیین قرآنی، بذر دگرگونی و تحول خود به خود پاشیده خواهد شد و امید وقوع یک تحول بنیانی و ورود به یک مرحله جدید از زندگی اجتماعی در پرتو تعالیم و معارف ناب اسلامی و قرآنی قوت خواهد گرفت.

### عوامل ناکارآمدی دانش کلام و فلسفه اسلامی از دیدگاه سید قطب

سید قطب در مقدمه کتاب *خصائص التصور الاسلامی* همچنین در جای جای تفسیر *فی ظلال القرآن*، عوامل ناکارآمدی و انحراف مباحث کلام و فلسفه اسلامی را - که عهده‌دار بیان عقاید و باورهای بنیانی اسلامی است - به تفصیل یادآور گردیده که در ذیل، به صورت موجز به عمده این عوامل اشاره می‌شود:

۱. از نظر وی مباحث اندیشه و عقیده اسلامی در اثر عواملی چند - که بدان‌ها اشاره می‌کند - به مباحث و اصطلاحات فلسفی و تصویری یونان آغشته و آمیخته گردیده و قالب اصیل مستقل خود را از کف داده است و در قالب‌هایی منطقی، فلسفی، لاهوتی و متافیزیکی که مشتمل بر انحرافات و گرایش‌هایی غریب و ناآشنا با تصور اصیل اسلامی است، درآمده!

۲. همچنین وی مدعی است که «اندیشه اسلامی» به سبب مفتون شدن متولیان آن به فلسفه یونانی، به ویژه به شروح فلسفه ارسطویی و مباحث لاهوتی - متافیزیکی یهود و مسیحیت، لباس فلسفه بر تن کرده و «علم کلام» به شیوه مباحث لاهوتی، که خود برگرفته از منطق ارسطویی است، سامان یافته است و در این بین، برخی تصورات و اصطلاحات فلسفی بدون هیچ‌گونه تغییر اخذ شده و میان آنها و اندیشه اسلامی آشتی ایجاد شده است!<sup>(۵)</sup>

۳. وی فلسفه فلاسفه بزرگی همچون ابن‌رشد، ابن‌سینا و فارابی را انعکاسی از فلسفه یونانی می‌داند که در

این معایب و کاستی‌ها با اسلوب عقیده عرضه‌گردد تا از آثار زیان‌بار اسلوب فلسفی در امان ماند.<sup>(۹)</sup>

۷. به عقیده وی، از دیگر عیوب فلسفه یونانی که مانع تناسب و شایستگی آن برای بیان مباحث اعتقادی اسلامی است، نشأت‌گرفتن این فلسفه در محیط منحرف از توحید و مملو از عناصر غیرتوحیدی و اساطیری است! بنابراین، با توجه به اینکه اعتقادات اسلامی بر اساس توحید خالص، مطلق و عمیق سامان یافته‌اند، تلاش برای آشتی و پیوند میان این دو کاری بیهوده و ناشی از ساده‌اندیشی است.<sup>(۱۰)</sup> آنان که خون افلاطون و ارسطو و اقلیدس در رگ‌هایشان می‌جوشد، از این میراث روی برتافته و در کسب دانش و بینش از شیوه‌هایی که در قرآن بر آنها تأکید شده، یعنی استقراء، مشاهده و تجربه، بهره می‌برند!<sup>(۱۱)</sup>

۸. از مهم‌ترین ویژگی‌های اسلوب قرآنی در بیان مباحث اعتقادی و تصویری، ایجاد تحرک و اثربخشی و شورآفرینی در احساس است؛ در حالی که آن دسته از مباحث عقیدتی که در قالب اسلوب و تعبیرات فلسفی و لاهوتی ارائه گردیده‌اند، تنها با ذهن بشر درگیرند و از هرگونه عناصر تحرک‌بخشی، نشاط‌آفرینی و پویایی تهی‌اند! از این رو، سید قطب که هدف خود را در ورای بیان معارف عقیدتی، حرکت‌آفرینی و پویابخشی می‌داند، در این زمینه، چنین شیوه‌ای را بی‌ارزش می‌داند؛ چه، از دیدگاه وی، همان‌سان که اندیشه ربّانی برای تحقق غایت انسانی، ضمیر انسانی را به جوشش درمی‌آورد و برای به شکوفایی رساندن وی، او را به جنبش و خیزش وامی‌دارد، ضروری است معرفت عقیدتی نیز برای تحقق مدلول خود در عالم واقع به نیرویی تهاجمی مبدّل گردد.<sup>(۱۲)</sup> برخی دیگر هم اندیشیده‌اند یکی دیگر از کاستی‌های قابل توجه علم کلام که برخی از متفکران

مسلمان بدان اشاره نموده‌اند عبارت از عدم ارائه مبحثی خاص در ارتباط با «انسان» در آن است؛ چه، خداوند سایر مخلوقات را به خاطر او آفریده و در خدمت وی قرار داده است. از این رو، مقصد همه آیات قرآن و غایت نهایی تمام آموزه‌های آسمانی، تربیت و پرورش انسان و راهنمایی وی به سوی تعالی و تکامل و به سمت سرانجامی شایسته برای وی است. از سوی دیگر، مبحث «خداشناسی» که از اساسی‌ترین مباحث علم کلام و فلسفه اسلامی است، غیرقابل انفکاک از موضوع و مبحث «انسان‌شناسی» است؛ زیرا این انسان است که باید عقیده توحید را در روند زندگی روزمره خویش تجسم بخشد! از این رو، هرگونه تلاش برای پایه‌ریزی یک تفکر اعتقادی در صورتی که با مبحث «انسان‌شناسی» همراه نباشد نخواهد توانست مسئله عقیده را با واقعیت خارجی (زندگی بشری) پیوند زند؛ در نتیجه، آن تفکر صرفاً در حد مجموعه‌ای از مفاهیم بی‌نشاط و بی‌حیات باقی خواهد ماند! و به همین دلیل است که علم کلام از حضور در واقعیت زندگی و تجربه بشری باز مانده است.<sup>(۱۳)</sup>

### بازگشت به قرآن راه رهایی

سید قطب، راه‌حل قطعی را در قرآن می‌جوید و برای این بازگشت شرایطی قایل است؛ بدین‌سان که همه آنچه عنوان «فلسفه اسلامی» بر آن اطلاق گردیده و همه مباحث علم کلام و مجادلات صورت گرفته در میان فریق اسلامی در طول اعصار مختلف حیات اسلام، یکجاکنار نهاده شود و با مراجعه به قرآن، همه قواعد و مفاهیم اندیشه عقیدتی اسلام مستقیماً از آن دریافت گردد و مستقلاً در قالب و سیاقی قرآنی عرضه شود!<sup>(۱۴)</sup>

تعلیل سید قطب در ارتباط با ضرورت پرهیز از نگاه جزئی و صرفاً اصلاحی به انحرافات و رهاکردن مجموعه

اثرگذاری، و پیوند داشتن با زندگی واقعی بشر می‌داند. برخی دیگر از این خصلت‌ها به قرار زیر است:

۱. اسلوب قرآن در ارائه مباحث عقیدتی در مقایسه با مباحث فلسفی که در زندگی انسان و در سلوک و اخلاق او بی‌اثرند و در برابر احساسات و واقعیات او ساکتند و تنها یک کلام محض به حساب می‌آیند، همزمان به اصلاح و آبادانی ضمیر انسان، سلوک و رفتار وی و حیات بشری می‌انجامد. (۱۷)

۲. برخلاف تصورات ذهنی و مجرد موجود در فلسفه یونانی و در تعلیمات لاهوتی مسیحی، نیز برخلاف تصورات حسی و مادی موجود در آن دو و در برخی از فلسفه‌های هندی، مصری، بودایی و زرتشتی، و به دور از حس‌گرایی ساده‌اندیشانه‌ای که در عقاید اعراب جاهلی موجود بود، اندیشه اسلامی مشتمل بر تصویری شفاف و آسان بوده و از هرگونه پیچیدگی و ابهام خالی است. سید قطب تبیین و شرح وظیفه و عملکرد پیامبر را در قرآن، مثالی گویا برای این ویژگی می‌داند و معتقد است: منهج قرآن همه اساطیر و تصورات غامض و مبهمی را که جوامع جاهلی در آن روزگار درباره طبیعت پیامبران و وظیفه آنها ترویج می‌نمودند دور ریخته و به دور از هرگونه خرافه‌گویی، اسطوره‌بافی، آرایش و اختلاط، و انحراف تصویری و ایمانی با شفافیت، بساطت، صداقت و واقع‌نگری بی‌نظیری، شخصیت و مسئولیت پیامبر اکرم ﷺ را ترسیم نموده است. (۱۸)

۳. مفسر فی ظلال ضرورت تذوق عملی و عینی برخی مباحث اعتقادی را طی یک تجربه روحی و عقلی برای فهم حقیقی آن مباحث، از دیگر ویژگی‌های منهج قرآن در عرصه مباحث عقیدتی، می‌داند! وی مسئله «جبر و اختیار» را که در میان فرق کلامی اهل سنت به صورتی پرتنش و بی‌حاصل و متأثر از منطق و فلسفه یونانی و

مباحث فلسفه و کلام به حالت نخست، این است که این شیوه زیان‌های جدیدی را در پی دارد و چه بسا تلاش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته، به انحرافات جدید دیگری منجر شده است. وی نمونه آن را روش برخی از اندیشمندان مسلمان، در دفاع از مسئله «جهاد اسلامی» در برابر شبهات و تردیدافکنی‌های مستشرقان و معاندان می‌داند؛ که این افراد گرچه در صدد زدودن تهمت «اکراه و اجبار دینی» از چهره اسلام برآمده‌اند، لکن روش ناکارآمد آنها در دستیابی به این هدف، انحراف جدیدی را در پی داشته است! این انحراف جدید عبارت است از تقلیل و تحدید «جهاد اسلامی» به «جهاد دفاعی»! سید قطب عملکرد شیخ محمد عبده و گفتار اقبال لاهوری را در موضوع «احیای اندیشه دینی در اسلام»، دو نمونه از دفاع نادرست از معارف اسلامی معرفی می‌کند و بهترین شیوه را در ارائه حقایق اندیشه اسلامی در آن می‌داند که حقایق و معارف اسلامی همان‌گونه که در قرآن مطرح گردیده است، یعنی به صورت کامل، فراگیر، متوازن و هماهنگ با جهان هستی و متناسب با فطرت بشری، ارائه شوند. (۱۵) از دیدگاه وی، تنها پیوند قالب و اندیشه جدید با قالب و دانش‌های عقیدتی پیشین باید آن باشد که از آن مجموعه پیشین صرفاً به عنوان یک امر تاریخی محض، برای شناسایی ابعاد انحراف موجود در آن و اسباب و عوامل این انحراف، استفاده‌گردد تا از تکرار آن انحرافات در قالب‌ها و مفاهیم جدید اندیشه اسلامی اجتناب شود. (۱۶)

### امتیازات منهج اسلام در ارائه معارف اعتقادی

سید قطب پس از مفید ندانستن اسلوب و قالب فلسفی برای بیان اندیشه‌های اعتقادی اسلام، و کم‌سو معرفی کردن آن، روش و اسلوب قرآن را در بیان معارف و حقایق عقیده، مشتمل بر خصلت‌هایی همچون کارآمدی و

مبنای خطبه‌های اعتقادی و اندیشه بلند و ملکوتی امام علی<sup>علیه السلام</sup>، توانسته‌اند مباحث پرارجی را در حوزه اعتقادات ارائه دهند، لکن با وجود آن، این فلاسفه همچنان از ارائه مباحث اعتقادی و بنیادی اسلام در قالبی اثربخش، نفوذگر و تحولگر باز مانده‌اند. از این رو، مخالفت سید قطب با فلسفه و مباحث آن مخالفتی از روی ریا و تزویر نیست، بلکه به زعم وی این مخالفت از عدم تناسب آن مباحث، با منهج و اسلوب قرآن در ارائه معارف و حقایق عقیدتی ناشی می‌شود؛ چنان‌که او خود در این راه، قدم پیش نهاده و با تألیف دو کتاب **خصائص التصور الاسلامی و مقومات التصور الاسلامی** و با در افکندن طرحی نو در این ارتباط، می‌کوشد صداقت و حقانیت ادعای خویش را به اثبات برساند. البته با توجه به اینکه ارائه این طرح نو در دوره اختناق و فشار همه‌جانبه بر مؤلف و حبس و حصر او بوده است،<sup>(۲۳)</sup> طبیعتاً از ضعف و کاستی برکنار نخواهد بود.

#### اظهار بدینی نسبت به معارف جدید غیراسلامی و

##### اعلان ضرورت طرد آن

با اندکی تأمل می‌توان مجموعه معارف و دستاوردهای جدید غیراسلامی را در دو بخش «دستاوردهای فکری و دینی مستشرقان و مبشران» و «دیدگاه‌ها و نظریات جدید تمدن غرب در ارتباط با انسان، زندگی و هستی» دسته‌بندی نمود و دیدگاه سید قطب را به صورت مجزا و به تفصیل درباره هر یک از این دو بخش جویا شد. پیش از بررسی دلایل تفصیلی سید قطب در ارتباط با دو بخش مزبور،<sup>(۲۴)</sup> نخست به تبیین قواعد و مبانی کلی وی برای رد معارف و دستاوردهای علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غیراسلامی می‌پردازیم.

آموزه‌های لاهوتی مسیحی مطرح گردیده، نمونه‌ای برای این دیدگاه می‌داند و معتقد است: لازم است این‌گونه مباحث صرفاً در یک واقعیت فعلی و به صورت یک تجربه همه‌جانبه روحی، روانی و عقلی تذوق و درک شوند! سید قطب در تبیین این جدل پیچیده کلامی اظهار می‌دارد: اگر گفته شود اراده خداوند انسان را به سوی هدایت یا ضلالت می‌کشانند این سخن دربرگیرنده یک حقیقت فعلی و واقعی نیست؛ همچنان‌که اگر گفته شود اراده انسان تأثیرگذار اصلی است، باز هم با حقیقت عینی مطابقت نخواهد داشت. از دیدگاه وی، حقیقت خارجی این امر مبهم (مسئله جبر و اختیار) عبارت است از وجود ارتباطی دقیق و در عین حال غیبی میان اطلاق مشیت الهی، با اختیار و انتخاب بنده و جهت‌گیری ارادی وی، به دور از هرگونه تعارض و تضاد در میان آن دو.<sup>(۱۹)</sup>

توجه سید قطب در این رابطه به دیدگاه شفاف و دقیق شیعه که امام صادق<sup>علیه السلام</sup> در عبارت کوتاه و گویای: «لا جبرٌ ولا تفویضٌ بل امرٌ بینَ الأمرین»<sup>(۲۰)</sup> بدان اشاره فرموده بسیار نزدیک است.<sup>(۲۱)</sup>

۴. منهج اسلامی و قرآنی با اسلوب خاص خود، که اسلوبی جاندار، حیات‌بخش، الهام‌گر و ملموس است، «حقیقت» را تنها در عبارت نمی‌ریزد؛ عبارت، صرفاً سخنگوی آن است، و تنها فکر و اندیشه بشری را مخاطب نمی‌سازد، بلکه همه کیان بشری را با همه ابعاد و توانایی‌ها و منفذهای معرفتی موجود در آن، مخاطب خود قرار می‌دهد!<sup>(۲۲)</sup> و بدین شکل، بدون هیچ‌گونه ابهام و پیچیدگی و به صورتی روان و صریح حقایق عقیدتی را به سهولت و با بیشترین اثرگذاری به انسان منتقل می‌سازد.

بر این اساس، گرچه برخی از فلاسفه مسلمان - به ویژه فلاسفه و متکلمان شیعی - به سبب بهره‌مندی از معارف ناب، ژرف و پرمغز اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> بخصوص بر



به گونه‌ای که در پی آن خسارت‌ها و تباهی‌هایی در عرصه فکر و عمل و یا در عرصه فطرت بشری و طبیعت موردنیاز برای زیست بشر و دیگر جانداران رخ می‌دهد و بین آنها با ارزش‌ها و شعائر انسانی تقابلی به چشم می‌خورد.

بر این اساس، ناگفته پیداست که مقصود سید قطب از منشأ الهی نداشتن معارف جدید، نمی‌تواند این باشد که از نظر وی لازم است همه علوم و اندیشه‌ها و بینش‌ها در همه حوزه‌های علمی از کتب آسمانی دریافت‌گردد تا در غیر این صورت، لازم آید که آن علوم به جرم جدا بودن از متون مقدس و ناشی شدن از صرف تلاش و تعالی فکری و ذهنی انسان متهم به نداشتن منشأ الهی شوند، بلکه قطعاً اشکال مطرح‌شده از جانب وی متوجه آن دانش‌ها و بینش‌ها و دستاوردهایی است که با جهت‌گیری صحیح انسانی برای پیمودن مسیر رشد و تکامل راستین در تضادند.<sup>(۲۵)</sup>

مطابق با درک و تصور سید قطب از آیات قرآن و نصوص قطعی اسلام، منهج اسلام از همه مذاهب، منهج‌ها، تصورات و معتقدات غیراسلامی متمایز و متفرد است. این تمایز و تفرد از آغاز شکل‌گیری جامعه و امت اسلامی وجود داشته و همچنان و لزوماً تا روز قیامت نیز تداوم خواهد داشت. استدلال وی در این رابطه آن است که وجود دو وصف - مثلاً «اسلامی» و «غیراسلامی» - برای یک شریعت، یا یک وضعیت، یا یک نظام، به صورت همزمان ممکن نیست. اسلام فقط «اسلام» است و شریعت اسلامی فقط «اسلامی» است.<sup>(۲۶)</sup> مفسر فی ظلال القرآن تغییر قبله مسلمانان از «بیت‌المقدس» به «کعبه» را رمز جدایی و افتراق امت اسلامی در همه ابعاد و جهات زندگی از دیگر امت‌ها و ملت‌ها معرفی می‌کند؛<sup>(۲۷)</sup> همچنان‌که توصیف قرآن از امت اسلام و معرفی آن به عنوان «بهترین امت»<sup>(۲۸)</sup> را بیانگر این تمایز می‌داند. البته از نگاه وی، اقتضای بهترین

## دلایل سید قطب برای طرد معارف نو غیراسلامی

با بررسی دقیق و گسترده در آثار و تألیفات سید قطب - به ویژه در تفسیر فی ظلال القرآن که دائرةالمعارف آثار و افکار وی به شمار می‌رود - نمایان می‌گردد که دو عامل در مخالفت شدید وی با معارف جدید غرب، نقش عمده دارند؛ به گونه‌ای که سایر دلایل و عوامل، از این دو عامل اساسی نشأت می‌گیرند. این دو عامل عبارتند از:

۱. غیروحیانی و غیرالهی بودن ریشه و منشأ این معارف؛
  ۲. خصومت جدی و مستمر متولیان این معارف با اسلام و معارف آن.
- در ذیل، به بررسی این دو عامل می‌پردازیم:

## منشأ غیرالهی معارف جدید

در یک نگاه کلان، منشأ همه علم و اطلاع بشر ذات باری تعالی است. تحولات و دگرگونی‌هایی که در عرصه دانش رخ می‌دهد محصول تجربیات و پی‌گیری‌های اشخاص و افراد جوینده است که منشأ آن، تلاش فکری و ذهنی و سخت‌کوشی‌های بشری است. این تلاش و کوشش ذهنی و بدنی نیز اگر با نگاهی گره‌گشا برای بشریت و به قصد خدمت‌رسانی به نوع انسان صورت گیرد و در آن ضوابط و شرایط موردنیاز برای تأمین این هدف ارزشمند، لحاظ‌گردد و در پس آن انگیزه‌های حقیقتاً تعالی‌طلبانه و خداخواهانه نهفته باشد خود به خود به امری مهم و مقدس مبدل می‌گردد.

لکن در این میان، گاه آگاهی‌ها، افکار و تجربیاتی شکل می‌گیرد که در پس ذهن و زبان متولیان و جویندگان و یابندگان آن، نه تنها انگیزه‌های الهی و یا حتی انسانی جایی ندارد، بلکه این کوشش‌ها و دستاوردها با نگاهی یک‌جانبه و صرفاً مادی و منفعت‌گرایانه صورت می‌بندد؛

هیچ‌یک از امور فوق به اقتباس از آنها پیردازند؛ چه، اسلام هرگز به مسلمان اجازه نمی‌دهد تا اصول عقیده و شالوده‌های جهان‌بینی، نظام جامعه و نظام حکومتی و خط‌مشی سیاسی و انگیزه‌های هنری و ادبی و... را از مصادر غیراسلامی فراگیرد.<sup>(۳۲)</sup> البته وی در این زمینه به یک استثنا معتقد است و آن عبارت است از: جواز اخذ و اقتباس علوم محض، مانند شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی، ستاره‌شناسی، پزشکی، صنعت، زراعت، شیوه‌های مدیریت (فقط در ابعاد فنی و اداری آن)، اسلوب کار فنی و روش‌های جنگ و نبرد (فقط در بعد فنی) و امثال این فعالیت‌ها از غیرمسلمانان. وی روایی و جواز فراگیری این‌گونه از علوم را از غیرمسلمانان، به سخن پیامبر ﷺ استناد می‌دهد، آنجا که فرمود: «أنتم أ علم بأمر دنیاکم»<sup>(۳۳)</sup> به علاوه، از دیدگاه وی، این علوم و امور با نگاه اسلام به زندگی، انسان، جهان هستی و با اصول و شرایط و نظام‌ها و اوضاع مرتبط با حیات فردی و اجتماعی و با اخلاق و آداب و عادات و ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر جامعه بی‌ارتباط می‌باشند. گو اینکه وی در اعلان این جواز نیز احتیاط می‌ورزد و نکته هوشمندانه‌ای را یادآور می‌گردد: لازم است فرد مسلمان حتی به هنگام اقتباس علوم محض از مصادر غیراسلامی، از عواقب ناپسند این علوم - که همراه آنهاست - برحذر باشد؛ زیرا این امور - اساساً - با بینش دینی به صورت عام و با بینش اسلامی به صورت خاص دارای خصومت بوده و مقدار اندکی از آن نیز موجب آلودن زلال معارف اسلامی خواهد شد.<sup>(۳۴)</sup>

### خصومت جدی و مستمر متولیان معارف

#### غیراسلامی با اسلام

یکی دیگر از دلایل بدبینی مفسر فی ظلال القرآن نسبت به دستاوردهای معرفتی غیراسلامی، اعتقاد وی به دشمنی

امت بودن عبارت است از پیشرو، پیش‌قراول و راهبر بودن آن امت در همه عرصه‌های اعتقادی، معنوی، اخلاقی، علمی، اجتماعی و در عرصه عمران و آبادانی زندگی دنیوی و حتی در راهبری و مدیریت دیگر امت‌ها و دستگیری از آنها و عنایت و بخشش نسبت به آنها.<sup>(۲۹)</sup> گو اینکه سید قطب - نیز همچون بسیاری از متفکران مسلمان و مطابق با اسناد فراوان و اعترافات صورت‌گرفته از جانب غربی‌ها - معتقد است: این برتری و پیش‌قراولی در مراحل از حیات اسلام برای امت اسلامی تحقق یافته و امت اسلامی در آن دوران هم به لحاظ علمی و پیشرفت مادی و هم به لحاظ اعتقادی و معنوی، برای غیرمسلمانان، الگو و سرمشق بوده و اصلاحات و تحولاتی را در امور زندگی آنان ترتیب داده است.<sup>(۳۰)</sup> از سوی دیگر، با توجه به اینکه قرآن کریم به منظور تصحیح عقاید اهل کتاب، که مملو از تحریف، انحراف، اساطیر و افسانه‌هاست، و برای تصحیح اعتقادات و اندیشه‌های سایر ملل دنیا، به ویژه مشرکان جزیره‌العرب، نازل شده و عهده‌دار همه این وظایف سترگ و خطیر گردیده است،<sup>(۳۱)</sup> زبینه نیست مسلمانان با دارا بودن چنین کتابی آسمانی که به تصحیح و تقویم اختلافات، انحرافات و افراط و تفریط‌های موجود در معتقدات و اندیشه‌های همه بشریت می‌پردازد، خود رو به سوی افکار و اندیشه‌ها و نظریات مذاهب غیراسلامی داشته باشند و از آنها متأثر گردند.

از نگاه سید قطب، دستاوردهای علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دیدگاه‌های ارائه‌شده غیراسلامی در ارتباط با مباحث هستی، حیات، انسان و تاریخ انسان، ناقص و تک‌بعدی است و از دو خصلت «مغشوش بودن» و «کورمال زدن» رنج می‌برد! از این رو، مسلمانان هرگز نباید زندگی خود را با آن دیدگاه‌ها تطبیق دهند و حتی نباید در

### طرح یک پرسش

اکنون پرسش این است که منشأ دشمنی صهیونیسم جهانی و دیگر دشمنان با اسلام چیست و این دشمنی دارای چگونه ماهیتی است؟ آیا این دشمنی صرفاً بر سر منافع مادی و به خاطر بیم از دست دادن آن در صورت استیلاي مسلمانان رخ نموده است؟ چه، بیشتر دشمنی‌ها و خصومت ورزیدن‌ها از این امر نشأت می‌گیرد! یا این دشمنی به خاطر حق‌جویی و حقیقت‌طلبی آنهاست که به اشتباه و نادانسته دین اسلام و آرمان‌های آن را منافی با حقایق یافته‌اند؟ و...

سید قطب این دشمنی را امری اصیل و برنامه‌ای خبثت‌آمیز می‌داند و عوامل آن را از یک‌سو، به قوت و متانت دین اسلام و حقیقت آشکار و منهج استوار و نظام بی‌نقص و سالم موجود در آن ارجاع می‌دهد که دشمنان به جای گردن نهادن به آن و تعظیم در برابر آن، از سر حسادت و عناد و زیاده‌خواهی پرچم دشمنی با آن را برافراشته‌اند<sup>(۴۳)</sup> و از سوی دیگر، وجود و ظهور دشمن بر سر راه امتی که قصد برکشیدن خود و پرکشیدن و پرواز تا اوج ترقی و تعالی مادی و معنوی را دارد امری طبیعی و قابل پیش‌بینی می‌داند.

البته - همان‌گونه که سید قطب نیز یادآور گردیده<sup>(۴۴)</sup> - مصیبت بزرگ‌تر از خصومت دشمنان اسلام آن است که با وجود این دشمنی آشکار و غیرقابل انکار،<sup>(۴۵)</sup> برخی از مسلمانان - ساده‌اندیشانه - همچنان به دشمنان خویش مراجعه می‌کنند و در دست‌یابی به امور و علوم موردنیاز خویش آنان را راهنما و مرجع تلقی و اقتباس قرار می‌دهند! و تأسف‌بارتر اینکه گاه برخی از آنها به این شاگردی می‌بالند و بر اساس آن، خود را روشنفکر می‌نامند!

مسئله مهم دیگر در ارتباط با علل دشمنی تمدن

ذاتی صاحبان این دستاوردها با اسلام است. او با اشاره و استناد به آیات قرآن و روایات مختلف، دشمنی و کارزار بی‌امان و مستمر اهل کتاب - به ویژه یهودیان را که در این عصر در قالب صهیونیسم جهانی تجلی یافته‌اند - با مسلمانان و آموزه‌های آسمانی آنان، یک حقیقت مسلم و مشخص می‌داند؛ امری که از زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آغاز گردیده و همچنان با وسایل و شگردهای نو و متنوع ادامه دارد.<sup>(۳۵)</sup> سید قطب، یهودیان را مسئول هدایت و مدیریت جریان وضع و جعل در احادیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سیره آن حضرت معرفی می‌کند<sup>(۳۶)</sup> و معتقد است این جعل و تحریف و مبارزه امروز نیز با هدایت و تدبیر آنان و در پوشش استادان، فیلسوفان، عالمان، پژوهشگران و احیاناً شاعران، نویسندگان و هنرمندانی که نام مسلمانی را با خود به همراه دارند به منظور منحرف نمودن مسلمانان از مسیر صحیح و مستقیم تعالیم دینی، در حال اجراست.<sup>(۳۷)</sup> همچنین وی سایر اقدامات خصومت‌آمیز اهل کتاب و یهودیان را که به صورت مستمر در حال انجام است در قالب‌هایی همچون فتنه‌انگیزی، تفرقه‌افکنی، شبهه‌آفرینی،<sup>(۳۸)</sup> خدعه، تخدیر، ظاهرسازی، دوست‌نمایی، دروغ‌گویی، تهمت، تربیت دست‌نشانگان و مزدورانی از میان مسلمانان برای فراهم آوردن بستر پذیرش استعمار و استثمار<sup>(۳۹)</sup> و انتقال حاکمیت از شریعت و قوانین آسمانی به قوانین و کتب بشری،<sup>(۴۰)</sup> و مبارزه با اسلام در قالب کنیسه، کمونیزم و آتاتورک<sup>(۴۱)</sup> برمی‌شمرد. سید قطب به گوشه‌هایی از جنایات هولناک دشمنان اسلام در مناطق مختلف جهان اشاره می‌کند و آن را مصداقی از دشمنی آشکار و بی‌امان صهیونیست‌ها و صلیبیون جهانی با امت اسلام و نشانه‌ای از کوشش پی‌گیر آنها برای مسخ و محو دین اسلام از روی زمین می‌داند.<sup>(۴۲)</sup>

شیمی و به طور کلی ابداع و اختراع مادی منحصر و محدود نشد، بلکه به تبع آن به دیدگاه و تفسیر و قرائت جدیدی از خداوند، هستی، انسان و زندگی نیز منجر شد. این فهم و تفسیر جدید، دستاوردی کاملاً عقلانی و علمی بود و آموزه‌ها و تعالیم دینی هیچ‌گونه نقشی در آن نداشتند. همین تفسیر جدید، شکل نهایی تمدن غرب را در برابر دیگر تمدن‌ها متمایز نموده و دیدگاه‌ها و نظریات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ویژه‌ای را در حوزه تمدنی غرب به دنبال داشته است. بدین سان، تمدن جدید غرب مشتمل بر دو بعد اساسی است:

۱. بعد علمی، تجربی و صنعتی؛

۲. بعد انسانی، فرهنگی و اجتماعی.

نگاه سید قطب به این هر دو بعد، یکسان نیست. از دیدگاه وی، مجال اصلی و گسترده عقل تفکر و تأمل در طبیعت و شناخت نوامیس هستی و نوآوری در عالم ماده است.<sup>(۴۸)</sup> از این رو، عقل بشر را از این توانایی برخوردار می‌داند که با تأمل در طبیعت و با انجام آزمون و خطا، به قواعد و نوامیس و سنت‌های هستی و طبیعت دست یابد و از این راه دستاوردهایی را برای رشد و تعالی زندگی بشر به ارمغان آورد. به علاوه، از نگاه وی، چنین فعالیت و ابداعی حتی «عبادت» خداوند محسوب می‌گردد و به عنوان یکی از وسایل سپاس‌گزاری از نعمت‌های بزرگ او به شمار می‌آید؛ چنان‌که وی چنین فعالیت و ابداعی را نشانه وفاداری انسان در رعایت شرایط پیمان خلافت می‌داند.<sup>(۴۹)</sup> از همین رو، وی بهره‌مندی مسلمانان از این بخش از دستاوردهای تمدن جدید و فراگیری و اکتساب آن را از صاحبان و ابداع‌کنندگان آن جایز و بی‌اشکال می‌داند.<sup>(۵۰)</sup> البته سید قطب با تیزبینی نکته‌جالی را یادآور می‌شود. او معتقد است: با وجود مهیا بودن بستر بهره‌مندی از این دستاوردها، تلاش برای دستیابی و

جدید غرب با آموزه‌های دینی، آن است که به سبب برخوردها و تنش‌هایی که میان دانشمندان این نهضت با حاکمان مستبد و خونریز کلیسا رخ داده است، این برخوردها آثار و عواقب شوم خود را به شکلی عمیق در تمام بسترهای فکری و حتی در طبیعت تفکر اروپایی بر جای نهاده است؛ از این رو، در تمام محصولات فکری نهضت علمی اروپا و در تمام رشته‌های علمی آن رسوبات زهرآگین دشمنی با اصل تفکر دینی و با شدتی بیشتر با بینش اسلامی قابل مشاهده است!<sup>(۴۶)</sup>

بر این اساس، سید قطب مدعی است که اسلام هرگز حاضر نیست داستان جدایی «علم» از «صاحب علم» را در مورد دانش‌هایی که با مفاهیم عقیدتی مؤثر در نگرش انسان نسبت به هستی و حیات و نشاط انسان و اوضاع و ارزش‌ها و اخلاق و عادات او، و با دیگر امور متعلق به نفس انسان و نشاط او مرتبط‌اند، بپذیرد و نسبت به این مهم بی‌اعتنا باشد.<sup>(۴۷)</sup>

بدین سان روشن می‌گردد که بدبینی مفسر فی ظلال نسبت به معارف غیراسلامی بر بنیان‌های عمیقی مبتنی و بر توجیهات استواری تکیه دارد و برخاسته از تعصب و احساس خشک نیست.

### دیدگاه‌های نوین تمدن غرب در ارتباط با انسان، زندگی و هستی

بخش دیگری از معارف و دستاوردهای تمدن غرب عبارت است از دستاوردهایی که به دنبال حرکت علمی - تجربی یا به اصطلاح حرکت عقلانی اروپا صورت بسته است؛ حرکتی که تحولات شگرف و وسیعی را رقم زد. البته دستاورد علمی و تجربی جدید غرب، تنها به پیشرفت مادی و رشد و رونق تولید و گسترش رفاه، دستیابی به نظریات و فرمول‌های ریاضی، فیزیک،

تأمل در نوامیس و قوانین آن، به وجود خالق تدبیرگر و به وحدانیت آفریننده مدبر هستی گواهی دهد. اندیشه علمی بیهوده نبودن آفرینش جهان هستی را درمی‌یابد و بر حکومت قوانین قطعی و صادق بر آن، گواهی می‌دهد؛ همچنان‌که خردورزی و بهره‌گیری از اسلوب علمی راستین، وجود جهان آخرت را تصدیق می‌کند. حال آنکه، برخلاف چنین امری، روش به اصطلاح عقلی و علمی تمدن غرب به انکار خداوند، بت‌پرستی جدید، اثبات اتفاقی بودن آفرینش و خود به خودی بودن حیات، انکار قیامت و غایت زندگی بشری، انکار غیب، روح و... انجامیده است. بر این اساس، سید قطب نه تنها اطلاق عنوان علم‌گرایی و خردورزی را زینده این دستاورد نمی‌بیند، بلکه آن را سزاوار اطلاق عنوان هواپرستی، خرافه‌پرستی، شهوت‌رانی، علم ناقص و سطحی، حماقت و جهالت می‌داند.<sup>(۵۳)</sup> بخشی از سخن وی در این زمینه چنین است:

در تمدن مادی بین هستی و خالق آن و بین علوم هستی‌شناسی و حقیقت ازلی و ابدی، فاصله و انقطاع به وجود آمده، حال آنکه علوم هستی‌شناسی و طبیعت‌شناسی از این ویژگی برخوردارند که به عبادت خداوند متحول شوند و به زندگی بشر قوام و رسوخ و جهت‌گیری الهی ببخشند. در تمدن مادی، علم که زیباترین هدیه خداوند به بشر است، به لغت مبدل گردیده تا انسان را از خداوند دور سازد و زندگی او را به جهنمی ناشناخته و مملو از اضطراب و تهدید، دگرگون سازد و به لحاظ روانی نیز پوچی و بیهوده بودن را بر وی مستولی نماید.<sup>(۵۴)</sup>

حتی در ارتباط با علوم تربیتی سامان‌یافته در غرب نیز این مشکل مشهود است تا آنجا که سید قطب، که خود

کشف مستقل این علوم و دستاوردها از جانب مسلمانان واجب‌کفایی است و خودکفایی جامعه اسلامی امری ضروری است؛ هرچند تا زمان فراگیری مستقل این دانش‌ها، برای مسلمانان جایز است تا این علوم تجربی و کاربردی را از مسلمان و غیرمسلمان فراگیرند و به کار بندند.<sup>(۵۱)</sup>

استدلال وی در اعلان این جواز مبتنی بر این نکته است که این قبیل علوم و دستاوردها در تکوین نگرش انسان مسلمان نسبت به حیات، جهان هستی، انسان و غایت وجودی او و نسبت به وظیفه حقیقی و نوع ارتباطاتی که انسان با وجود پیرامون خود، و با خالق هستی دارد مدخلیت ندارد؛ چنان‌که با اصول، قوانین، نظام‌ها و شرایطی که حیات فردی و اجتماعی انسان را سامان می‌دهد، و با اخلاق، آداب، عادات، سنت‌ها، ارزش‌ها و معیارهایی که بر جامعه بشری حاکم است و به آن شکل می‌دهد بی‌ارتباطاند؛ از این رو، انحراف عقیدتی بشر را در پی نداشته و او را به سوی جاهلیت سوق نمی‌دهند.<sup>(۵۲)</sup>

این در حالی است که روی دیگر سکه تمدن و فرهنگ غرب، معیارها، ضوابط، ارزش‌ها، آداب، قوانین، نظریات و بینش‌ها و نگرش‌هایی است که در ارتباط با خدا، انسان، زندگی و جهان هستی است و ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زندگی بشر را دربر می‌گیرند. سید قطب این بخش از تمدن غربی و مادی را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و در برابر آن، موضع سخت‌گیرانه و تندی نشان می‌دهد. از نگاه وی، آنچه تمدن مادی در این ارتباط بدان دست یازیده، مشتمل بر آثار عقل بشری، اندیشه صحیح علمی و منهج درست اندیشیدن نیست و از نشانه‌های علم راسخ نیز تهی است؛ چه، عقل و علم، انسان را به سوی خداوند خالق سوق می‌دهند و انسان را بر آن می‌دارند تا در مواجهه با جهان هستی، و به هنگام

هستی از سوی آنها و مأنوس نبودن آنان با پروردگار جست‌وجو می‌کند. از این‌رو، وی بارِ دَ این شیوه دانش‌اندوزی «منهج ایمانی» را شیوه‌ای می‌داند که نه تنها ذره‌ای از ارزش نتایج و دستاوردهای «منهج علمی» در درک حقایق مفرد، نمی‌کاهد، بلکه با ایجاد ارتباط میان خود این حقایق، و با ارجاع آن حقایق به حقایق بزرگتر، و با پیوند زدن آنها به قلب بشر، آن حقایق و دستاوردها را از حالت خشک و ذهنی صرف خارج نموده به نغمه‌ها و آهنگ‌هایی مؤثر و جذّاب و نوازشگر برای مشاعر انسان و برای زندگی او مبدل می‌سازد. وی به منظور ایجاد پیوند میان حقایق علمی با شعور انسان و زندگی او، بازگشت به منهج ایمانی را در عرصه تحقیقات و پژوهش‌های علمی، بسیار ضروری می‌داند. (۵۷)

سید قطب با اشاره به شبهات گمراه‌کننده‌ای که در ارتباط با منهج ایمانی مطرح گردیده‌اند، این شبهات را ساخته و پرداخته گروهی از گمراهان فریبکار که دشمن بشریت به شمار می‌آیند، می‌داند. او در پاسخ به این ادعا که گفته می‌شود: «منهج ایمانی با نوآوری‌های مادی ناسازگار است؛ از این‌رو، انسان یا باید آن منهج را بپذیرند و یا نوآوری‌های مادی را»، اظهار می‌دارد:

منهج ایمانی نه تنها با نوآوری‌های مادی و علمی دشمن نیست، که مروج آن نیز هست. البته این منهج، ابداعات علمی را مدیریت می‌کند و آنها را در مسیر صحیح قرار می‌دهد تا انسان براساس آنها بتواند مأموریت و مسئولیت جانشینی و خلافتی را که خداوند در زمین بر دوش او گذاشته، به جا آورد. (۵۸)

همچنین سید قطب با اشاره به نکته‌ای هوشمندانه و حکیمانه، که آن را حقیقت بزرگ مغفول و مستور از افکار، عقول، ضمائر و واقعیات بشر کنونی می‌نامد، (۵۹)

برای کسب تجربیات غربی‌ها در ارتباط با مسائل تربیتی روانه کشور آمریکا می‌گردد، پس از دو سال اقامت در این کشور، سخن صریح و تنبّه‌آمیزی را مطرح می‌کند. او نسبت به اجرای همه شیوه‌های تعلیم و تربیت آمریکا در کشورش هشدار داده و اظهار می‌دارد:

شیوه‌های تربیتی آمریکا برای مردم ما مضر و خطرآفرین است. آمریکا دارای این شایستگی نیست که الگوی تربیتی و انسانی جهانیان باشد؛ زیرا چنین امری به یک فاجعه انسانی منجر می‌شود. آمریکا تنها از این شایستگی برخوردار است که کارخانه بزرگ (تولیدات مادی) برای جهانیان باشد و به بهترین وجه از عهده این وظیفه برآید. (۵۵)

همچنین وی در ضمن نامه‌ای که از آمریکا برای یکی از دوستان خویش می‌فرستد، اظهار می‌دارد:

آمریکا بزرگ‌ترین دروغی است که جهان تاکنون به خود دیده است. زندگی در اینجا بر پایه لذت و بهره علمی (پراگماتیسم) بنا شده، و برای ارزش‌های اخلاقی و انسانی حساسی باز نشده و همه ارزش‌ها در نزد اینان مسخره است. لذا از تجارب آمریکا تنها می‌توان برای تحقیقات علمی مانند الکترونیک، فیزیک، شیمی، کشاورزی و... بهره برد، و استفاده از آن برای بررسی‌های نظری و مسائل فکری کاری بس اشتباه است. (۵۶)

### پرسش‌های دیگر

اکنون سؤال این است که به راستی سبب این فراز و فرود تعجب‌برانگیز در نقش و کارکرد علم چیست؟

مفسر فی ظلال القرآن عامل آن را در بی‌ایمانی صاحبان آن علوم به خداوند و در عدم ذکر و یاد پروردگار

زندگی و وظایف انسان، هماهنگی طبیعی، گسترده و آرام‌بخشی ایجاد نماید.<sup>(۶۲)</sup> از این‌رو، می‌توان به این نتیجه رسید که هرگونه استفاده و اکتساب از مصادر و منابع غیراسلامی - بجز در علوم محض، کاربردی و نوآوری‌های مادی - ممنوع و نارواست و یک فرد مسلمان نباید در مسائل مختص به عقیده و جهان‌بینی، یا در مسائل مختص به عبادات و اخلاق و سلوک و ارزش‌ها و معیارها، و یا در مسائل مختص به مبادی و اصول نظام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و یا در امور مرتبط با تفسیر انگیزه‌های نشاط انسانی و حرکت تاریخ بشری از مصدر و مرجعی جز مصدر و منبع الهی تلقی و تلمذ نماید؛<sup>(۶۳)</sup> چه، این امور در حوزه حاکمیت خداوند و شریعت او قرار دارند و در ارتباط با آنها، باید صرفاً بر طبق رهنمود الهی عمل نمود تا شرط پذیرش عبودیت انسان نسبت به خداوند رعایت گردد؛ چراکه عدم رعایت این امر به معنای خروج از حاکمیت و شریعت الهی و به جا نیاوردن عبودیت حق تعالی است.<sup>(۶۴)</sup>

**اعتقاد راسخ به چیرگی و رهبری برنامه اسلام بر جهان** ممکن است در ذهن و ضمیر متفکران و آینده‌اندیشان دغدغه سرنوشت آینده جهان همراه با نگرانی پی‌گیری شود. گو اینکه در آموزه‌های قرآنی و وحیانی تکلیف روشن و مشخصی برای رهبری جهان در آینده‌ای که رو به پایان آن دارد ذکر شده است و طبیعتاً متفکران و پژوهندگان مسلمان بر طبق آنچه از جانب خداوند وعده داده شده است، دیدگاهی امیدوارانه و آرزومندانه دارند. در این زمینه سید قطب با ارائه استدلالی روشن و صریح به تبیین این بشارت الهی می‌پردازد. از نگاه وی، رهبری تمدن مادی غرب بر جهان پذیرفتنی نیست و جهان امروز نیازمند مکتب و اندیشه راهبرانه‌ای است که در عین

یادآور می‌گردد که در منهج ایمانی «دین» در جای «دنیا» و «سعادت اخروی» در جای «سعادت دنیوی» قرار نمی‌گیرد؛ در این منهج مسیر آخرت از دنیا می‌گذرد. بدین شکل، وی با اعتراف صریح به عدم منافات دین‌داری با توسعه و پیشرفت علمی و مادی، و عدم دشمنی منهج ایمانی با رشد و رونق مادی زندگی انسان، و حتی با تأکید بر ضرورت تلاش و توجه مسلمانان نسبت به این امور و کسب تبحر و خودکفایی در آنها،<sup>(۶۰)</sup> راه خویش را از مسیر برخی مدعیان دروغین دین‌مداری که - با کج‌فهمی و انحراف - درصدد سیطره دادن سایه جمود و خمود بر زندگی انسان و بیگانه نمودن آن از هرگونه نشانه رشد و شکوفایی و نشاط مادی می‌باشند، جدا می‌کند و خود را در جرگه مصلحان هوشمندی قرار می‌دهد که با بصیرت و روشن‌بینی درصدد معرفی جهت‌گیری‌های حقیقی دین و متحرک و پویا نمایاندن تعالیم آن هستند.

شایان ذکر است که ضرورت مبتنی بودن توسعه زندگی انسان بر طبق منهج ایمانی، در دیدگاه مفسر فی‌الذلال از این واقعیت مسلم نشأت می‌گیرد که تمدن مادی و به ظاهر علمی غرب، با وجود سردادن شعارهای جذاب و فریبنده‌ای همچون تقدّم، تطوّر، تجلّد، علم‌گرایی، آزادی، انقلاب، و... و علی‌رغم همه پیشرفت‌های خیره‌کننده و شگرفش تاکنون نتوانسته بشر را به سعادت راستین نایل سازد.<sup>(۶۱)</sup> به علاوه، علم به جای آنکه گام به گام بشر را به خداوند نزدیک کند، مرحله به مرحله او را از خداوند دور نموده، و همه این عواقب ناخوشایند و آزاردهنده بیانگر آن است که این تمدن در پرتو منهج الهی ره نپوییده و نتوانسته برای زندگی بشر نظامی تدارک ببیند که بین توانایی‌ها و نیروهای انسان و بین دنیا و آخرت، بین افراد و گروه‌ها و بین ضرورت

مستشرقان را از عوامل فکری استعمار می‌داند و فعالیت‌های خاورشناسانه آنها را - به ویژه در بعد اسلام‌شناسانه و قرآن‌پژوهانه آن - قرین‌غرض‌ورزی و دشمنی و همراه با جهالت معرفی می‌کند.

- در ارتباط با دستاوردهای جدید فکری، علمی، تجربی و فناورانه غرب، سید قطب قایل به تفکیک است. وی کسب و دریافت این دستاوردها را در بعد «تجربی و صنعتی صرف» تقریباً بدون اشکال می‌داند. البته ضرورت تلاش و تکاپوی مسلمانان را برای خودکفایی در این امور یادآور می‌گردد.

وی نسبت به دریافت و کسب بعد «فکری، انسانی، فرهنگی» آن، به شدت هشدار می‌دهد و هرگونه اقتباس و تلقی را در این حوزه، بسیار خطرآفرین می‌داند.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- بخشی از پیام آیت‌الله جوادی آملی به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس دانشگاه پیام نور، آذرماه ۱۳۸۷.
- ۲- برای آگاهی بیشتر از تحولات زندگی و افکار سید قطب، ر.ک: کرم سیاوشی، *تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب در فی ظلال القرآن*، ص ۱۱-۳۲.
- ۳- سیدمحمد قطب، *خصائص التصورالاسلامی*، ص ۱۵.
- ۴- نک: همو، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۱۱۶، ۲۲۰، ۲۳۲، ۲۹۱، ۴۳۸، ۵۱۰، ۶۰۱، ۶۰۶؛ ج ۲، ص ۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۳۰۵، ۱۳۱۸، ۱۳۷۰؛ ج ۴، ص ۱۸۸۸، ۱۸۹۱، ۲۲۲۱، ۲۲۲۳؛ ج ۵، ص ۲۷۵۶، ۳۱۴۹؛ ج ۶، ص ۳۳۵۳ و ۴۰۰۲.
- ۵- نک: همو، *خصائص التصورالاسلامی*، ص ۱۰-۲۲.
- ۶- احمد محمد البدوی، «تحلیل الفن و الادب الاسلامی عند سید قطب»، *التوحید*، ش ۴، ص ۹۸-۹۷؛ سید قطب، *العدالة الاجتماعية فی الاسلام*، ص ۲۰.
- ۷- سیدمحمد قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۵۳.
- ۸- همان، ج ۲، ص ۱۲۰۴ و ۱۲۲۷.
- ۹- همو، *خصائص التصورالاسلامی*، ص ۱۱-۱۲.
- ۱۰- همان، ص ۱۲-۱۳.
- ۱۱- نک: همان، ترجمه سیدمحمد خامنه‌ای، ص ۱۴۰ پاورقی.
- ۱۲- همو، *فی ظلال القرآن*، ج ۶، ص ۳۵۳۰؛ همو، *خصائص*، ص ۱۰؛ عبدالجبار رفاسی، *منهج الشهيد الصدر فی تحديد الفکرالاسلامی*، ص ۱۱۰.

پرداختن به بعد توسعه‌ای و تمدنی، به مدد برخورداری از روشی اصیل، مثبت و واقع‌نگر، بشر را به ارزش‌های جدید و کامل‌تری تجهیز کند. وی معتقد است: تنها «اسلام» است که این ارزش‌های جدید و این الگو را در اختیار دارد؛ زیرا منهج‌ها و روش‌های مادی با وجود بهره‌مندی از قالب‌ها و عناوین مختلف و متنوع، به سبب مبتلا بودن به کاستی و کوری<sup>(۶۵)</sup> صلاحیت بر عهده گرفتن رهبری و مدیریت بشریت را ندارند. علاوه بر آن، تفکر مادی، الحادی و کمونیستی به زودی فرو خواهد ریخت<sup>(۶۶)</sup> و تفکر سرمایه‌داری نیز - پس از آن - به چنین سرانجامی دچار خواهد شد.<sup>(۶۷)</sup> بر این اساس، این تنها برنامه و منهج اسلامی و ایمانی است که به سبب مشتمل بودن بر امتیازاتی همچون بساطت، شفافیت، عمومیت، آسان‌گیری، تناسب و تطابق با سرشت طبیعی انسان و به دلیل توانایی پاسخ دادن به نیازهای واقعی بشر، و به علت برنامه کامل و جامع آن، نیز به سبب نیاز بشریت به این برنامه، هدایت و مدیریت آینده جهان را از آن خود خواهد نمود و به تدبیر و تمشیت آن خواهد پرداخت؛ و هیچ مانعی نمی‌تواند بر سر راه تحقق حتمی و قطعی این وعده قرار گیرد.<sup>(۶۸)</sup>

#### سخن آخر

- در ارتباط با شیوه‌ارائه مباحث اعتقادی و اندیشه‌های بنیانی، سید قطب معتقد به التقاطی و ناکارآمد و ناقص بودن «فلسفه اسلامی» در ارائه این‌گونه از مباحث است. وی عرضه و آموزش این مباحث را در قالب و سبکی جدید که - لزوماً - می‌باید برگرفته از سبک قرآنی باشد، ضروری می‌داند.

- دیدگاه سید قطب در ارتباط با دستاوردهای خاورشناسانه پژوهشگران غربی، بسیار بدبینانه است و



- ۱۳- عبدالجبار رفاعی، همان، ص ۹۹-۱۰۲.
- ۱۴- سیدمحمد قطب، **خصائص**، ص ۱۲.
- ۱۵- همان، ص ۱۷-۱۸.
- ۱۶- همان، ص ۱۳.
- ۱۷- همو، **فی ظلال القرآن**، ج ۲، ص ۷۶۴.
- ۱۸- همان، ج ۲، ص ۱۰۹۳-۱۰۹۴.
- ۱۹- همان، ج ۲، ص ۷۱۸-۷۱۹، ۱۲۰۴؛ ج ۳، ص ۱۲۲۶-۱۲۲۷، ۱۸۲۱؛ ج ۶، ص ۳۹۱۷-۳۹۱۸، ۳۷۶۳-۳۷۶۴. البته این جدل در میان اهل سنت مطرح شده و دارای چنین وضعیتی است.
- ۲۰- محمدبن یعقوب کلینی، **کافی**، ج ۱، ص ۱۶؛ محمدبن علی صدوق، **عیون اخبارالرضا**، تصحیح شیخ حسن اعلمی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ همو، **التوحید**، تحقیق سیدهاشم حسینی طهرانی، ص ۲۰۶ و ۳۶۲.
- ۲۱- بسیاری از مجادلات گذشته و حال علمای اهل سنت به خاطر دور بودن آنها از آموزه‌های روان و راهگشای اهل بیت پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> است!
- ۲۲- سیدمحمد قطب، **خصائص**، ص ۱۶؛ همو، **فی ظلال القرآن**، ج ۶، ص ۳۵۳۰.
- ۲۳- سیدمحمد قطب بخش‌هایی از کتاب **مقومات التصورالاسلامی** را در آخرین روزهای حیات خویش در زندان، و بر روی اوراق بازجویی مکتوب کرده است. نک: سیدمحمد قطب، **مقومات التصورالاسلامی**، مقدمه محمد قطب، ص ۷۵.
- ۲۴- برای جلوگیری از به درازا کشیدن بحث، بسط دیدگاه سید قطب در ارتباط با خاورشناسان به مجالی دیگر موکول می‌گردد.
- ۲۵- زیرا اگر دستاورد و اندیشه‌ای - حقیقتاً - از عقل سرچشمه گرفته باشد و از هوس‌ها و شهوات به دور باشد، طبق قاعده ملازمه، منطبق بر شریعت و آموزه‌های آسمانی خواهد بود. (ر.ک: سید محمدصادق روحانی، **استفتاءات قوه قضائیه**، ص ۷؛ نیز ر.ک: محمد محمدی ری شهری، **العقل والجهل فی الكتاب والسنة**، ص ۱۷، ۴۹-۵۱).
- ۲۶- سیدمحمد قطب، **فی ظلال القرآن**، ج ۳، ص ۱۲۳۹.
- ۲۷- همان، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹.
- ۲۸- آل‌عمران: ۱۱۰.
- ۲۹- سیدمحمد قطب، **فی ظلال القرآن**، ج ۱، ص ۴۴۷؛ همو، **معالم فی الطريق**، ترجمه محمود محمودی، ص ۱۶۵.
- ۳۰- برای مثال اروپاییان با برخورداری از فرهنگ و تمدن اسلامی، «رنسانس» گسترده‌ای را در زمینه علمی و پیشرفت مادی شکل دادند؛ همچنان‌که برخی از رهبران دینی و مذهبی آنها مانند مارتین لوتر و... با اثرپذیری از اسلام، اصلاحاتی را در دین مسیحیت رقم زدند. (نک: سیدمحمد قطب، **فی ظلال القرآن**، ج ۲، ص ۸۱۹. مسئله بهره‌مندی و استفاده تحول‌آفرین تمدن غربی از دستاوردهای علمی مسلمانان به قدری روشن و غیرقابل تردید است که بسیاری از اندیشمندان و سیاستمداران غربی در دوره‌های
- مختلف تاریخی بدان اذعان نموده‌اند. (نک: محمدرضا حکیمی، **دانش مسلمین**، ص ۱۰۵-۱۴۱).
- ۳۱- آیات متعددی از قرآن بر این امر اشاره دارند. (ر.ک: سیدمحمد قطب، **فی ظلال القرآن**، ج ۲، ص ۸۱۵؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: همو، **خصائص**، ص ۲۳-۴۰).
- ۳۲- سیدمحمد قطب، **فی ظلال القرآن**، ج ۴، ص ۲۱۳۱-۲۱۳۲؛ ج ۴، ص ۲۰۷۴-۲۱۰۰؛ همو، **معالم فی الطريق**، ص ۱۶۴-۱۷۰.
- ۳۳- شیعه این روایت و جریانی را که راویان اهل سنت معتقدند در ضمن آن، پیامبر این سخن را ایراد فرموده نمی‌پذیرد. البته سید قطب کوشیده تا گستره «شئون و امور دنیایی» مورد اشاره در این حدیث را محدود و محدود توصیف نماید و این شئون را در حیطه علوم مادی محض و تطبیق‌ها و تجربیات عملی صرف، منحصر نماید. (ر.ک: سیدمحمد قطب، **فی ظلال القرآن**، ج ۴، ص ۲۰۷۴).
- ۳۴- سیدمحمد قطب، **معالم فی الطريق**، ص ۱۶۴-۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۶-۱۷۷؛ همو، **فی ظلال القرآن**، ج ۱، ص ۴۳۹-۴۴۰؛ ج ۴، ص ۲۰۷۴.
- ۳۵- همو، **معالم فی الطريق**، ص ۱۷۱-۱۷۳؛ همو، **فی ظلال القرآن**، ج ۱، ص ۸۳-۸۴، ۱۰۵، ۲۲۸-۲۲۷، ۳۵۶-۳۵۵، ۴۱۱، ۴۱۴، ۳۳۶؛ ج ۲، ص ۶۷۴، ۶۷۶، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۶-۹۶۷.
- ۳۶- همو، **فی ظلال القرآن**، ج ۲، ص ۹۶۰-۹۶۱؛ ج ۴، ص ۲۱۲۸.
- ۳۷- همان، ج ۱، ص ۴۱۵.
- ۳۸- همان، ج ۱، ص ۳۸۰، ۴۳۴ و ۴۴۳.
- ۳۹- همان، ج ۲، ص ۹۲۴-۹۲۵ و ۱۰۳۳.
- ۴۰- همان، ج ۳، ص ۱۱۹۴.
- ۴۱- همان، ج ۲، ص ۱۰۸۸.
- ۴۲- همان، ج ۲، ص ۹۱۰-۹۱۴، ۹۱۵، ۹۴۰، ۹۴۷؛ ج ۳، ص ۱۶۲۸-۱۶۳۱؛ سیدمحمد قطب، **مقومات**، ص ۱۱۶. اگر بخواهیم اقدامات خصومت‌آمیز این دشمنان اسلام و انسانیت را از پس شهادت سید قطب تاکنون برشمردیم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد!
- ۴۳- سیدمحمد قطب، **فی ظلال القرآن**، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ همو، **المستقبل لهذا الدین**، ص ۹۲-۹۳.
- ۴۴- همان، ج ۳، ص ۱۳۷۹-۱۳۸۰؛ ج ۱، ص ۸۳-۸۴.
- ۴۵- همان، ج ۲، ص ۹۶۶-۹۶۷؛ همو، **مقومات**، ص ۱۱۳-۱۱۴.
- ۴۶- همو، **معالم**، ص ۱۷۶.
- ۴۷- همان، ص ۱۶۹-۱۷۰.
- ۴۸- همو، **فی ظلال القرآن**، ج ۱، ص ۱۸۱؛ ج ۲، ص ۷۲۲-۷۲۳؛ ج ۴، ص ۱۸۵۸.
- ۴۹- همان، ج ۱، ص ۱۶.
- ۵۰- دیدگاه سید قطب درباره چگونگی مواجهه مسلمانان با این علوم و دستاوردها در مبحث «منشأ غیرالهی معارف جدید» به تفصیل مطرح گردید.
- ۵۱- سیدمحمد قطب، **معالم**، ص ۱۶۴-۱۶۵.

- ۵۲- همان، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ نیز، ر.ک: همو، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۴۴۰.
- ۵۳- نک: همو، *فی ظلال القرآن*، ج ۲، ص ۸۰۴؛ ج ۳، ص ۱۳۵۷-۱۳۵۸، ۱۳۶۶، ۱۳۸۸، ۱۴۱۳-۱۴۱۴.
- ۵۴- همان، ج ۱، ص ۵۴۵؛ ج ۶، ص ۳۳۶۰.
- ۵۵- ر.ک: عادل حموده، *سید قطب من القرية الى المشنقة*، ص ۸۷؛ عبدالفتاح صلاح خالدی، *آمریکا من الداخل بمنظار سید قطب*، ص ۱۵۶.
- ۵۶- عبدالفتاح صلاح خالدی، *سید قطب من المیلاد الى الاستشهاد*، ترجمه جلیل بهرامی نیا، ص ۲۵۲.
- ۵۷- سیدمحمد قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۶، ص ۳۳۶۰؛ ج ۴، ص ۲۲۲۷.
- ۵۸- همان، ج ۱، ص ۱۶.
- ۵۹- همان، ج ۲، ص ۹۳۱.
- ۶۰- همو، *معالم*، ص ۱۶۴-۱۶۵.
- ۶۱- همو، *فی ظلال القرآن*، ج ۴، ص ۲۱۲۸.
- ۶۲- همان، ج ۱، ص ۳۴۳ و ۴۴۰-۴۴۱؛ ج ۵، ص ۲۶۳۳؛ سید رضوان، «زیستگاه ایدئولوژیک و سیاسی جنبش‌های اسلامی معاصر»، ترجمه مجید مرادی، *پگاه حوزه*، ش ۲۲، ص ۱۹.
- ۶۳- همان، ج ۱، ص ۴۴۰؛ همو، *معالم*، ص ۱۶۴ و ۱۷۰.
- ۶۴- همو، *معالم*، ص ۱۶۱-۱۶۳.
- ۶۵- برخی از اندیشمندان علاوه بر تأکید بر سخن فوق، تمدن جدید غرب را «دجال» می‌نامند. (ر.ک: یوسف قرضاوی، *لقاءات و محاورات حول قضايا الاسلام و العصر*، ص ۱۹۳-۱۹۴).
- ۶۶- قابل ذکر است که این پیش‌بینی دقیق و هوشمندانه حدود ۵۰ سال پیش ارائه گردیده است.
- ۶۷- نک: سیدمحمد قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۴، ص ۲۰۷۵-۲۰۷۶ و ۲۰۹۵؛ مجید مرادی، «تقریر گفتمان سید قطب»، *علوم سیاسی*، ش ۲۱، ص ۲۱۲. نشانه‌های فروپاشی این نظام نیز در حال نمایان شدن است.
- ۶۸- نک: سیدمحمد قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۵۱۱؛ همو، *المستقبل لهذا الدين*، ص ۸۹-۹۶؛ محمد دسوقی، «وحدة كيان الامة الاسلامية فی نظر سید قطب»، *رسالة التقريب*، ش ۲، ص ۱۸۶.
- منابع** .....
- بدوی، احمدمحمد، «تحلیل الفن و الأدب الاسلامی عند سید قطب»، *التوحيد*، ش ۴، ۱۴۰۶ق، ص ۹۳-۱۰۶.
- حکیمی، محمدرضا، *دانش مسلمین*، چ دهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- حمودة، عادل، *سید قطب من القرية الى المشنقة*، قاهره، سینا للنشر، ۱۹۸۷م.
- دسوقی، محمد، «وحدة كيان الامة الاسلامية فی نظر سید قطب»، *رسالة التقريب*، ش ۲، ۱۴۱۴ق، ص ۱۷۹-۱۸۶.
- رضوان، سید، «زیستگاه ایدئولوژیک و سیاسی جنبش‌های اسلامی معاصر»، ترجمه مجید مرادی، *پگاه حوزه*، ش ۲۲، ۱۳۸۰، ص ۱۶-۳۰.
- رفیعی، عبدالجبار، *منهج الشهيد الصدر فی تحديد الفکر الاسلامی*، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲ق.
- روحانی، سید محمدصادق، *استفتاءات قوه قضائیه*، قم، سپهر، ۱۳۷۸.
- سیاوشی، کرم، *تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب در فی ظلال القرآن*، تهران، بین‌الملل، ۱۳۸۹.
- صدوق، محمدبن علی، *التوحيد*، تحقیق سید هاشم حسینی طهرانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۷ق.
- عیون اخبارالرضا، تصحیح شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- صلاح خالدی، عبدالفتاح، *آمریکا من الداخل بمنظار سید قطب*، چ سوم، جدة، دارالمنارة، ۱۳۸۱.
- سیدقطب من المیلاد الى الاستشهاد، ترجمه جلیل بهرامی نیا، تهران، احسان، ۱۴۰۸ق.
- قرضاوی، یوسف، *لقاءات و محاورات حول قضايا الاسلام و العصر*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
- قطب، سیدمحمد، *العدالة الاجتماعية فی الاسلام*، چ پانزدهم، مصر، دارالشروق، ۱۴۲۳ق.
- المستقبل لهذا الدين، چ شانزدهم، قاهره، دارالشروق، ۱۴۲۵ق.
- خصائص التصورالاسلامی، ترجمه سیدمحمد خامنه‌ای، تهران، مؤسسه ملی، ۱۳۵۴.
- خصائص التصورالاسلامی، چ پانزدهم: قاهره، دارالشروق، ۱۴۲۳ق.
- فی ظلال القرآن، چ بیست و پنجم، قاهره، دارالشروق، ۱۴۲۵ق.
- معالم فی طریق، ترجمه محمود محمودی، تهران، احسان، ۱۳۷۸.
- مقومات التصورالاسلامی، قاهره، دارالشروق، ۱۹۸۶م.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *کافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
- محمدی ری‌شهری، محمد، *العقل و الجهل فی الكتاب والسنة*، بیروت، دارالحديث للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۱ق.
- مرادی، مجید، «تقریر گفتمان سید قطب»، *علوم سیاسی*، ش ۲۲، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۹۵-۲۱۵.